

**امروز طرح اصلاح حوزه‌های انتخابیه و افزایش تعداد نمایندگان بررسی می‌شود**

## بهارستان به اضافه ۴۰ نفر

طبق طرح جدید نمایندگان مجلس، در صورت تصویب و نهایی شدن در مجلس دوازدهم به‌جای ۲۹۰ نفر، بهارستان ۳۳۰ نماینده خواهد داشت.محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراها در مجلس شورای اسلامی، از بررسی طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه و افزایش تعداد نمایندگان مجلس در نشست علنی امروز (۲۹ مرداد) مجلس شورای اسلامی خبر داد.

۳۰ صفر ۱۴۴۵ • ۲۰ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۲۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان



یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ • ۳ صفر ۱۴۴۵ • ۲۰ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۲۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

عراقچی:

## مستثنابودن دارو از تحریم‌های آمریکا علیه ایران ادعایی پوچ است

دبیر شسورای راهبردی روابط خارجی گفت: در ظاهر قواعد تحریمی آمریکا دارو و مواد غذایی را مستثنا کرده، اما درواقع در عمل، وزارت خزانه‌داری آمریکا چنان پیچیدگی‌هایی را ایجاد می‌کند که فروشندگان این اقلام عطای چنین معاملاتی را به لقای آنها بخشیده و از معامله با ایران منصرف می‌شوند.

صفحه ۲

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** نفت ایران ۷۰ سال پس از کودتا، گزارش نشست اقوام در ایران، شروع کار والیبال ایران در رقابت‌های قهرمانی آسیا و **یادداشت‌هایی از نادر شهروی**، ابوذر سمیعی

## سرمقاله

## قدرت جدید سیاسی در ایران: دیجیتالِ سیاستی



کیمرث اشتریان

مواضع هفته گذشته مدیرمسئول محترم روزنامه کیهان درباره «پلتفرم‌های دیجیتال»، واکنش‌های بسیاری برانگیخت. در این نوشتار به سویه‌های سیاسی-سیاسی «دیجتالیزیشن» می‌پردازم تا ابعاد روشن‌تری از این پدیده را در ایران نشان دهم.

جابه‌جایی قدرت سیاسیست (با قدرت سیاسی اشتباه نشود) و «انقراض اجتماعی قدرت» در ایران موضوع مهمی برای مطالعه است که دامنه آن به قدرت سیاسی کشیده می‌شود. نخستین قربانیان انقلاب دیجیتال، دیوان‌سالاران دولتی هستند که ابزار «خدمات عمومی» از آنها برگرفته می‌شود و به «بیشروان دیجیتال» در بخش خصوصی سپرده می‌شود. قربانی دیگر، نیروهای سنتی سیاسی هستند که نمی‌توانند دیالوگ سیاسی و گفتمان متناسب با عصر دیجیتال داشته باشند. کارآفرینان دیجیتال می‌توانند خدمات عمومی را با کیفیتی بهتر و سرعتی بیشتر به شماری گسترده‌تر برسانند و جای قدرت دولتی را بگیرند. آنچه آقای حسین شریعتمداری آن را از روی غریزه یک کهنه‌کار سیاسی دریافته و در برده «حجاب» بیان کرده است، سرابراه‌های فراخ به گستردگی جامعه ایرانی دارد. در همین نوشتار خواهیم گفت که چگونه سرکنگبین تحریم‌های آمریکا، صفرای «جامعه مدنی دیجیتال» را افزوده و آن را باور کرده است. به همین سان سرکنگبین سیاست‌زدایی و حزب‌زدایی از جامعه ایرانی، صفرای «قدرت دیجیتال» را آفریده است. دلخوش به این نباشید که قدرت را در بخش سیاسی مهار کرده‌اید. «اسب» چون مسئله حجاب نیست، مسئله قطب جدید ثروت ملی دیجیتال است که اساسا ظرفیتی دموکراتیک و مدنی دارد. اینها شماری چند از سیاسیون اصلاح‌طلب یا ملی-مذهبی‌ها نیستند که بتوان آنها را محدود کرد و در سررابرده خاموشی پنهان‌شان کرد. این حرکتی است که هم‌زمان فناوریانه، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و درنهایت سیاسی است. خواهیم گفت چگونه:

دیوزمانی است که ارائه «خدمات عمومی» از طرف دولت حوزه‌ای نظری در حقوق عمومی و توجیه‌کننده دخالت دولت بوده است. «نظریه خدمات عمومی» در حقوق اداری بر آن بوده است که دولت یگانه ارائه‌دهنده خدمات عمومی است و ازاینرو حق ویژه‌ای بر مداخله در امور مردمان دارد. این خدمات عمومی منفعایی را به بخش‌هایی از مردم می‌رساند و طبعاً بخش‌هایی را از آن محروم می‌کند که در عمل به بازتوزیع قدرت سیاسی یا تولید قدرت‌های جدید منجر می‌شود. به دیگر بیان، آنکه خدمات ارائه می‌دهد، در موضع برتری از قدرت سیاسی قرار می‌گیرد. امروزه قدرت‌های جدیدی در بخش خصوصی دیجیتال برآمده‌اند که خدمات عمومی ارائه می‌دهند و در موضع قدرت قرار می‌گیرند و به سبب آنکه این خدمات را ارزان‌تر به مشتری می‌رسانند، با اقبال بیشتری مواجه می‌شوند. به همین دلیل است که قدرت پلتفرم‌های بخش خصوصی مانند دیجی‌کالا، اسنپ، پلتفرم‌های سلامت و… به‌تدریج قدرتمندتر از وزارت صمت، شهرداری‌ها، وزارت بهداشت و… می‌شود. منطق بخش خصوصی و منطق بازار بر ارائه خدمات حاکم است و قدرت دیوان‌سالار بخش دولتی را در این فرایند به‌شدت کاهش می‌دهد. ازاین‌رو به آرامی یا به شتاب، به گاه با ناگاه، می‌تواند دیوان‌سالار بخش دولتی را به کناری بزند. اینجا نقطه بحرانی جابه‌جایی قدرت است؛ چراکه خدمات عمومی در بازار آزاد دیجیتال ارائه می‌شود. نقش دولت، به ناچاری و نه از روی چاره، به پلتفرم‌های زیرساختی عمومی (مثلا ابردولت Government Cloud) محدود می‌شود. پلتفرم زیرساختی دولت، البته با پلتفرم‌های خدماتی تفاوتی اساسی دارد و ناظر بر آن دسته از خدمات بنیانی است که در بالاترین سطح عمومیت و شمولیت قرار دارد. درواقع هر دولتی مجبور به ارائه آن است؛ مانند شبکه‌های جاده‌ای و آبرسانی و… اما پلتفرم‌هایی که از سطح جامعه کسب‌وکار برمی‌خیزند، می‌توانند کم‌وبیش راه خود را «سرخود» بی بگیرند. در عصر انقلاب دیجیتال، نسل جدیدی از کسب‌وکارهای کوچک، متوسط و بزرگ به مدد جامعه مدنی می‌آیند و قدرت جدیدی را از ترکیب «کسب‌وکارهای دیجیتال»، از سویی و «سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه مدنی» از سوی دیگر، پدید می‌آورد. اگر دسته اول در پی ارائه خدمات ارزان قیمت برای مردم است، دسته دوم برای دسترسی منصفانه و پایدار و طرفدار محیط زیست به خدمات عمومی تلاش مدنی می‌کند. این دو، به صورت طبیعی متحد اجتماعی-سیاسی یکدیگرند؛ بنابراین شاید برای نخستین‌بار در ایران، ارائه خدمات عمومی و کسب‌وکارهای دیجیتال بخش خصوصی با حمایت سمن‌ها (NGO) همراه و هم‌دست و هم‌داستان می‌شود تا دولت را کوچک کند و قدرت حاصل از ارائه خدمات عمومی را از «ولایتان»، بگیرد و «امتیاز حق ویژه» را در حقوق عمومی از او بازستانند. در ایران پلتفرم‌های بین‌المللی (به دلایل سیاسی و به‌ویژه به دلیل تحریم‌های آمریکا) در ممنوعیت و محذوریت هستند و به دلیل دسترسی‌نداشتن به این پلتفرم‌ها، فضا برای رشد و توسعه کسب‌وکارهای ملی مانند دیجی‌کالا (شکلی از آمازون بومی)، اسنپ (شکلی از اوبر بومی)، پلتفرم‌های گردشگری (شکلی از «ایر بی اند بی» بومی) و… فراهم است.

ادامه در صفحه ۴

# طلسم فرسایشی بورس

«شرق» از جبران نشدن زیان سهامداران در ۴ سال گذشته و افت ارزش دلاری بازار سرمایه گزارش می‌دهد

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



پرونده «شرق» از رنچ مغفالت نایب‌تایان

نمی‌خواهیم

خانه‌نشین باشیم

روایتی از یک بیمار بهبودیافته از قارچ سیاه

سمیرا (م) دختر جوان نایبانیی است که می‌گوید برای رسیدن به استقلال خون دل خورده و التماس، سازش و حتی دعوا کرده است. او به چالش‌های بی‌شمارش اشاره می‌کند؛ «سه‌ساله بومد که وقتی توپ فوتبال برادرم به سرم می‌خورد، بینایی‌ام را به مرور زمان از دست می‌دهم. از آن زمان تا همین چند سال پیش پدر و مادر و خانواده‌ام از روی نگرانی یا دلسوزی همه جا با من می‌آمدند. هیچ‌کجا من را رها نمی‌کردند که به تنهایی رفت‌وآمد داشته باشم و استقلال را تجربه کنم.

یک بار آنها را تهدید کردم که برای همیشه قید خانه را می‌زنم. آنها تا مدت‌ها با من کاری نداشتند و من احساس می‌کردم که تهدید توخالی‌ام کارساز بوده و آنها را قانع کرده است؛ درحالی‌که بعد از مدتی

### یادداشت

## جامعه بسامان؛ جامعه آزاد و خردمند



ریاض غیرتمند

در زبان فارسی واژه بسامان هم بهمعنای نیک، خوب و راست به کار می‌رود و هم به معنای منظم و مرتب و گاهی به‌معنای آسوده‌خاطر (سامانه تحت و با لغتنامه دهخدا) و این هر سه می‌توانند ویژگی‌های یک جامعه آزاد، آرام، کارا، توأم با عدالت و انصاف و خردمند باشند. جامعه‌ای که بحران‌ها، چالش‌ها و مسائل خود را با اندیشه مستقل و بدون تقلید از دیگر اندیشه‌ها و با مشارکت و همکاری افراد درون خود حل می‌کند. نظریه‌پردازان عدالت در هر جامعه‌ای از منطق سازمان‌دهنده جامعه و باور و داوری مردمان آن برمی‌خیزد. بنابراین این نظریه‌پردازانی‌ها در جوامع گوناگون می‌توانند تفسیرهای خاص آن جامعه را داشته باشند. در جامعه‌های مردم‌سالار غربی از ایده‌محوری «نظام مشارکت و همکاری منصفانه اجتماعی قابل‌انتقال از نسلی به نسل دیگر» و ایده‌های همراه آن، ایده شهروندان آزاد و برابر و ایده جامعه بسامان به‌عنوان پایه‌ای برای نهادهای مردم‌سالار استفاده می‌کنند. ایده جامعه بسامان سه مشخصه دارد: ۱- به‌عنوان یک توافق عمومی هرکسی در این جامعه مفهوم عدالت را می‌فهمد و آن را می‌پذیرد و می‌داند که دیگران هم همان برداشت را دارند و آن را می‌پذیرند. ۲- عامه مردم به انسجام عمده نهادهای اجتماعی و سیاسی در برآورده‌کردن اصول عدالت باور دارند. ۳- حس شهروندان از عدالت معمولا مؤثر است و آنها را بر فهم و کاربرد اصولی که عامه از عدالت دارند، توانا می‌سازد (جان راولز، ۲۰۰۱: ۵-۹). جامعه غربی بعد از رنسانس با نقد اندیشه ایستا و تقلیدی قرون وسطایی به اندیشه و گفتار مدرن‌تره رسیدند. اینان پیشینه قانون اساسی

خود را از جایی به امانت نگرفتند. مرجعیت مطالعات مبتنی بر شواهد با شرطی را که از قبل پذیرفته شده برای تخمین میزان احتمال رویدادهای دنیای واقع به کار گرفته و با گفتمانی پیوسته به دانش دنیا می‌افزایند. اسما در جوامعی که «آزادی، اسبی است خسته و لنکان» (شیرکو بیگس، ۱۳۸۱) امتناع و ایستایی اندیشه پیش‌فرض عملکرد جامعه است. اندیشه‌های ترجمه‌ای و تقلیدی دنیای غرب و اندیشه‌های ثابت و لایتغیر سنت مانع از استقلال و یویایی اندیشه می‌شوند. به‌کارگیری اندیشه‌های ترجمه‌ای، بدون نقد آنها نهنتها گرهی از جامعه نمی‌کشاید بلکه به ایجاد مسائل و چالش‌های تازه اجتماعی منجر می‌شود. آزادی برابر شهروندان در یک جامعه پیش‌زمینه برابری فرصت‌ها و توزیع برابر تهدیدهاست، مشروط بر آنکه اندیشه جامعه مستقل و وام‌دار دیگر جوامع نباشد. از اندیشه دیگران بهره‌گیری ولی برده اندیشه دیگران نباشد که نتواند به خود بیندیشد. جامعه بسامان جامعه‌ای است که اندیشه آزاد داشته باشد. افراد در این جامعه پیش از فرصت‌های برابر برای امکان انتخاب، آزادی اندیشه داشته باشند و از اینکه به گزینه‌های دیگر و حتی گزینه‌های متضاد و متناقض بیندیشند، نهراسند و حتی خود، این‌دگراندیشه‌ها را بیازمایند تا سره از ناسره آشکار شود. معلم مدرسه و دانشگاه بپذیرد که گفتمان درباره دانش و اینکه آنچه در رفرنس‌ها و اصول و مبادی نوشته شده ممکن است اشتباه باشد. به گونه‌ای جدای از پیش‌داوری، مطالعات را مرور کند و با پیش‌شرط رواداری میزان خطا مقایسه کند و از نقد مرجعیت انسانی باکی نداشته و این جرئت‌ورزی اندیشه را با هدفی روشمند به دانش‌آموز و دانش‌جوی خود منتقل کند. رسانه‌ها ضمن پایبندی به اخلاق و پرهیز از هتاکی و تهمت‌های ناروا از نقد اندیشه خود، مخالفان‌شان و حکومت واهمه نداشته و این امکان را برای آزادی اندیشه و بیان فراهم کنند. نویسندگان روش‌حلاقیّت علمی با آموزش روشمندی دانش و محرومیت اجتماعی و عواقب زیانبار آن برای خانواده و نزدیکان خود

نپندیشند. کارکنان سازمان‌های دولتی و خصوصی از نقد اندیشه سازمان خود نپرهیزند و به فکر از دست‌دادن مزایا و شغل خود نباشند. جامعه بسامان در کشوری مانند ایران باید پیش از آزادی انتخاب یک جامعه خردمند باشد. جامعه‌ای که اندیشه مردمان آن منجمد نشده باشد. جامعه‌ای که این امکان برای آن فراهم است که مفاخر خود و سنت اندیشه پیشینیان را با اصول علمی پیش‌گفته نقد کند. از بزرگی و وزانت نام‌ها نترسد. اخلاق و روش علمی را در نقد سنت و اندیشه‌های غرب به کار گیرد. جامعه بسامان خرد را نه به‌صورت تک‌گویی بلکه به شکل گفتمان و به‌عنوان یک کارکرد اجتماعی به کار می‌گیرد. قفل اندیشه‌ها را چگونه می‌توان باز کرد؟ کدامین راهبردها و برنامه‌ها در میان‌مدت و چه بسا در درازمدت به آزادی اندیشه می‌انجامند؟ راهبردها به دو دسته آموزشی و عمومی بخش می‌شوند.

الف- راهبردها و برنامه‌های آموزشی

الف-۱- در محدوده مدارس با آموزش ضمن خدمت و الگوسازی معلمسان و ایجاد امنیت برای کودکان در بازی‌های آموزشی‌تا چنانچه بیان و رفتاری غیر از فضای مسلط جمع موجود در بازی داشته‌اند از حذف و تنبیه توسط همسالان نهراسند. همچنین ایجاد بستری برای اندیشه نوجوانان دال بر پذیرش اندیشه به‌عنوان اندیشه (نه رفتار) حتی اگر با اندیشه حاکم بر همسالان و جامعه تفاوت داشته باشد. تمرین اندیشه‌ورزی و جرئت‌تامل بر اندیشه‌هایی که با اندیشه ابتدایی نوجوان تفاوت دارد، تربیت علمی روشمند، گنجاندن ماده درسی کتاب‌خوانی در آزمون نیم‌سال مدارس به‌ویژه مطالعات غیردرسی جذاب در قالب داستان‌های کوتاه و بلند به همراه پیش‌بینی فضایی برای کتابخانه به‌عنوان کلاس آموزش زبان و ادبیات فارسی، تغییر روش آموزشی دبیرستان‌ها به‌ویژه در سال‌های پایانی از روش تقلیدی فعلی به روش خلاقیّت علمی با آموزش روشمندی دانش و چگونگی آزمون و ایضال فرضیه‌های علمی.

ادامه در صفحه ۴



۳۰ صفر ۱۴۴۵ • ۲۰ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۲۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

عضوهیئت علمی دانشگاه ارومیه و رئیس انجمن آیزی پروری ایران از دریاچه ارومیه وراهنکارهای نجات آن می‌گوید

## میگوی بومی می‌تواند ناجی دریاچه ارومیه شود؟

۱۰ «شرق» افزایش فشار سیاسی بر بایدن در راستای تشدید تنش با تهران را بررسی می‌کند

## تهدید نفتی یا بلوف انتخاباتی

۲ نیمه‌شب جهنمی در کوه‌های گیلان

## در جواهردشت چه گذشت؟

۸ وضعیت معماگونه آل‌کثیر در فوتبال ایران

## سقوط مهاجم

۹ بازخوانی کتاب «ظهور استبداد مدرن در ایران» نوشته علی‌رهنما

مانیفست استبداد

۱۱ یادداشت

## ۷۰ سال نفت و اقتصاد



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

۷۰ سال پیش در چنین روزهایی ایران‌دوستان به‌تازده و ماتم‌گرفته نگران روزهای آینده و سرنوشت کشور بودند و خادمان استبداد و متحدانش سرمست از پیروزی بر خرابه‌های دولت ملی در حال رقص و پایکوبی. هدف کودتا بازگرداندن آب رفته به جوی و انتقال قدرت از مردم به دربار بود. البته شاه‌عبت خواسته‌های حامیان کودتا کنارگذاردن برنامه ملی‌شدن نفت و حاکمیت مردم بر دارایی خود بود. دولت ملی با قطع‌کردن دست بیگانگان از صنعت نفت کشور جنایتی نابخشودنی انجام داده بود و مخالفانش حاضر بودند با تحمل هر هزینه‌ای حتی بی‌آبرویی در پیشگاه ملت ایران، آن دولت را از صحنه خارج کنند. پیروزی کودتا دست ملت ایران را از اعمال حاکمیت بر نفت و سایر ثروت‌هایش کوتاه کرد، اما بازگشت به گذشته و نادیده‌گرفتن یکباره حقوق ملت را ممکن نمی‌کرد. کوبی زمامداری کودتاهم‌دست دکتر مصدق نوعی بیداری و آگاهی در روح و جان ملت میدهد و آنان را با حقوق خود آشناتر کرده بود. ازاین‌رو در سال‌های بعد از کودتا دولت‌های وقت ناگزیر بودند سهم ملت را از منابع نفتی نسبت به سال‌های قبل از تجربه دولت ملی افزایش بدهند. هرچند حتی در این دوران هم نفت در مالکیت مردم که مالکان واقعی آن بودند درنیامد. گویاترین شاهد این مدعا در گفته عبدالمجید مجیدی رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه دولت هویداست که به‌عنوان متولی برنامه توسعه کشور هیچ‌گاه از میزان فروش نفت و درآمد ناشی از آن اطلاعی دقیق نداشته است! اینک که ۷۰ سال از آن روز سیاه گذشته و بازیگران آن صحنه همه از گردونه روزگار حذف شده‌اند، با ناگهی به گذشته و حال می‌توان به سه نکته بارز به‌عنوان تجربه‌های تاریخی اشاره کرد:

۱- برخی چهره‌ها و سیاسیون متنفذ که در آن روز سخت باید به یاری ملت می‌شتافتند، زندانه و کینه‌توزانه با امید برخورداری از مرحمت دربار جانب استبداد را گرفتند. آسان حتی بی‌اعتباری همراهی با پلیدترین و ننگین‌ترین سفلگان آن روز جامعه را که سردمدار حکت ارادل و اوپاش در حمله به خانه رئیس دولت ملی بودند، به جز خریدن و در کنار این سفلگان ایستادند؛ اما باین‌همه نصیب چندانی از حکومت ری دریافت نکرده و در نظم جدید سپهر سیاست به بازی گرفته نشدند. و چه خوب سرود شاعر که: آن‌کاخ‌ها جمله فروریخت/ آن کرده‌ها به کار نیامد.

۲- حکومت وقت به خواسته‌اش که در اصل خواسته بیگانگان بود، رسید. اما این پیروزی بزرگ دولت مستعجل بود و عاقبت مردم توانستند با کنارزدن آن، بار دیگر حق اعمال حاکمیت بر ثروت خود را به دست بیاورند.

۳- امروز ملت مظلوم ایران مسلط بر اموال خویش است. هیچ نیروی بیگانه‌ای نمی‌تواند مسردم را از این حق خود محروم و بی‌نصیب کند. صنعت نفت کشورمان هم نسبت به دوران نهضت ملی‌شدن نفت، پیشرفتی شگرف داشته است.

ادامه در صفحه ۴